

به نام خدا

# نقش احساس امنیت و شادی در مادران دارای کودک معلول

مولفان :

یلدا مخلص

فرهاد روحانی

غزاله رحیمی نیا

نگین مرادی

سمیرا دانشور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

عنوان و نام پدیدآور: نقش احساس امنیت و شادی در مادران دارای کودک معلول/مولفان یلدا مخلص ... [و دیگران].

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۲۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: مولفان یلدا مخلص، فرهاد روحانی، غزاله رحیمی نیا، نگین مرادی، سمیرا دانشور.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: مادران کودکان معلول -- روان شناسی

Mothers of children with disabilities -- Psychology

Happiness

خوشبختی

Human security

امنیت انسانی

شناسه افزوده: مخلص، یلدا، ۱۳۷۳-

رده بندی کنگره: HQ۷۵۹/۹۱۳

رده بندی دیویی: ۶۴۹/۱۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۲۵۳۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نقش احساس امنیت و شادی در مادران دارای کودک معلول

مولفان: یلدا مخلص - فرهاد روحانی - غزاله رحیمی نیا

نگین مرادی - سمیرا دانشور

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۲۱-۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵.....	فصل اول: کلیات
۵.....	مقدمه
۱۰.....	اهمیت موضوع
۱۳.....	فصل دوم: مبانی نظری
۱۳.....	شادی
۱۴.....	نظریه های مربوط به شادکامی
۱۶.....	عوامل موثر بر شادکامی
۱۷.....	نظریه های مربوط به تعیین کننده های شادکامی
۱۹.....	جهت گیری ارزشی فردگرایی و جمع گرایی
۱۹.....	فرهنگ و جامعه
۲۰.....	مفهوم فرهنگ
۲۱.....	ارزش های فرهنگی
۲۵.....	نظریه تریاندیس در زمینه فردگرایی و جمع گرایی
۲۷.....	هنجارها
۲۸.....	هنجارهای آموزشی بر اساس فرار کردن از ابهام
۲۹.....	گوناگونی فرهنگی
۳۰.....	اجتماعی شدن
۳۱.....	امنیت

منابع و مأخذ ..... ۵۱

منابع فارسی ..... ۵۱

منابع لاتین ..... ۵۶

# فصل اول: کلیات

## مقدمه

ناتوانی ذهنی سطحی از عملکرد هوش عمومی است که میزان آن به مقدار زیادی از حد متوسط کمتر باشد، به طوری که منجر به نقایصی در رفتار سازشی فرد گردد و در جریان رشد خود را نشان دهد (اسکور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). انجمن روانپزشکی آمریکا در جدیدترین راهنمای تشخیصی آماری اختلالات روانی<sup>۲</sup>، از اختلال نارسایی رشدی هوش به عنوان اختلال رشدی هوشی نام برده است و در تعریف آن آورده است که: اختلال رشدی هوش اختلالی است که در دوره رشد شروع می‌شود و دربرگیرنده نقصان کارکرد انطباقی و هوشی فرد در حوزه‌های عملی، اجتماعی و مفهومی است (انجمن روانپزشکی آمریکا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). از جمله ملاک‌های اختلال رشدی هوش می‌توان به پایین‌تر بودن حداقل ۲ انحراف معیار از میانگین هوشی جامعه و شروع اختلال در دوره رشد را اشاره نمود. مطالعات آماری در آمریکا نشان می‌دهد افرادی که هوش آن‌ها دو یا بیش از دو انحراف معیار زیر میانگین است تقریباً ۳ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد. محققان و متخصصان بالینی علل بسیاری را به عنوان سبب‌شناسی نارسایی هوشی مطرح نموده‌اند که از جمله معتبرترین آن‌ها می‌توان به عوامل ژنتیکی، اتفاقات دوران بارداری، حوادث زایمانی و بعد

---

1- Scior, K

2- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders-FIFTH EDITION

3- American Psychiatry Assosiation

زایمان اشاره کرد (میلانی فر، ۱۳۸۰). در ایران نیز پژوهش‌هایی که روی شیوع نارسایی هوشی انجام شده است میزان همه‌گیری آن را ۳/۶ درصد و مهم‌ترین علل آن را ازدواج‌های فامیلی، تشنج‌های بعد تولد و حوادث حین زایمان مطرح نموده‌اند (نریمانی و امانی، ۱۳۸۶). یکی از عمده‌ترین مشکلات افراد دارای اختلال نارسایی رشدی هوش موضوع رشد اجتماعی و روابط بین‌فردی آنان است و معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی هر فرد سازگاری او با دیگران است (یارمحمدی و شریفی راد، ۱۳۹۰). منظور از سازش یافتگی اجتماعی رابطه‌ای است که میان فرد و محیط او به ویژه محیط اجتماعی وجود دارد و به او امکان می‌دهد تا نیازها و انگیزه‌های خود را پاسخ گوید. فرد زمانی از سازگاری بهره‌مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی‌اش رابطه سالم برقرار و انگیزه‌های خود را ارضا کند و در غیر این صورت او را ناسازگار قلمداد می‌کنیم (بشارت، ۱۳۸۴).

در عصر حاضر مشکل بیمارها و معلولیت‌ها از جمله عقب ماندگی ذهنی از حادث‌ترین مسائل افراد جوامع بشری است. خانواده‌های بسیاری به دلیل داشتن چنین فرزندان بار عاطفی سنگینی را بر دوش می‌کشند (ادیب سرشکی، ۱۳۸۴). آگاه شدن از وجود هر گونه مشکل، تأخیر رشدی یا متفاوت بودن کودک ضربه‌ای بسیار سخت به والدین وارد می‌کند. والدین زمانی که متوجه ناتوانی فرزندشان می‌شوند با هیجانات شدیدی روبه‌رو می‌گردند. مادران معمولاً به خاطر نقش ویژه در تولد و مراقبت از یک کودک معلول فشار روانی بیشتری را نسبت به پدران تجربه می‌کنند. پدرها معمولاً به اندازه مادران احساسات خود را آشکار نمی‌سازند، در حالی که مادران طیف گسترده‌ای از هیجانات مانند خشم، غمگینی، گریه و سوگ را نشان می‌دهند. بررسی‌ها نشان داده‌اند مادران دارای کودک ناتوان در مقایسه با مادران کودکان سالم سطح شادکامی کمتری دارند و بیشتر احساس ناراحتی می‌کنند.

احساس امنیت به عنوان یکی از عواملی می‌باشد که به آرامش، شادی و رضایت خاطر منجر می‌گردد و نبود امنیت با حالات هیجانی نامطبوع همراه است. افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند و راحت‌تر تصمیم می‌گیرند و دارای روحیه مشارکتی بیشتری (جمع‌گرا) هستند و نسبت به کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، بیشتر احساس رضایت دارند. فقدان احساس امنیت فرد را از زندگی شاد و سالم دور می‌کند. شادکامی،

زمانی پیچیده‌تر می‌شود که این موضوع را وارد یک چارچوب فرهنگی کنیم. از بین عوامل مختلف و نقش آن‌ها در شادی و زندگی بهتر، نقش فرهنگ قابل توجه است. فردگرایی و جمع‌گرایی به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین الگوهای فرهنگی مورد پذیرش و از جمله محورهای اصلی تعیین‌کننده فرهنگ هر جامعه است. شادی به شکل‌های مختلف در هر فرهنگ (فردگرا و جمع‌گرا) مفهوم سازی شده است. در جوامع فردگرا، فرد آزاد است اما در جامعه‌های جمع‌گرا تاکید بیشتر بر روی اهمیت گروه و روابط اجتماعی می‌باشد.

یکی از موضوعات مهم که امروزه بحث‌های بسیاری درباره آن ذکر شده است، موضوع شاداب سازی است شادی به درجه‌ای از احساس اطلاق می‌شود که شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود قضاوت می‌کند. به عبارت دیگر، شادی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (ناتاشا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). ایجاد محیطی شاد به افراد بسیار کمک خواهد کرد. بنابراین، هر چقدر در شاداب‌سازی تلاش شود، احساس ارزشمند بودن و مثبت بودن را می‌توان پرورش داد نشاط و شادابی والدین در گرو محیطی مطلوب و شاد است (مصباحیان، ۱۳۹۶). این در حالی است که در حال حاضر اکثر والدین به ویژه مادران کودکان معلول، محیط فیزیکی و فضای اجتماعی محیط را ناراحت کننده، کسالت بار و بدون تحرک، شادی و در برخی موارد خفقان آور می‌دانند (فنگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

تحقیقات نشان می‌دهد، شادی صرف نظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامتی جسمانی را بهبود بخشد. لیبومیرسکی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، به نقش عامل فردی در شاد بودن افراد اشاره می‌کند. او معتقد است: " باید نگرش مثبت را در افراد پرورش داد. زیرا، اگر کودکان با نگرش‌های مثبت پرورش یابند، می‌توانند بسیاری از مشکلات آینده را که ممکن است بر آن‌ها تأثیر منفی بگذارد، به راحتی حل کنند (همتی پور امرایی، ۱۳۹۶). ریان و دسی<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) نظریه‌ای طرح کردند که این نظریه، به ارزیابی ذهن و احساس شخص در

---

1- Natasha

2 -Feng

3- Lyubomirsky

4- Ryan & Deci

طی زندگی او بر می‌گردد. در واقع، این ارزیابی فرد از زندگی خود است، که به شاد بودن کمک می‌کند و موجب حفظ سلامتی و تا حدی طول عمر افراد می‌شود (اسفندیار، ۱۳۹۸).

مسئله آن چه شکل دهنده پایه‌های نظام رفتاری افراد و یا تعیین‌کننده حدود رفتار فرد است، همان ارزش‌هاست. در نتیجه تغییرات ایجاد شده در حوزه فرزندآوری را می‌توان با بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی تبیین کرد. از سوی دیگر، مداخله در یک مسأله اجتماعی و برنامه‌ریزی برای هدایت آن در جهت مطلوب و صحیح، مبتنی بر شناخت همه جانبه آن در جامعه و قدرت پیش‌بینی آن از طریق شناخت روند تغییرات آن بخصوص در سطح ارزش‌ها است که نظام‌های بادوام تری به شمار می‌آیند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷). در ادبیات جامعه‌شناسی برخورد این‌گونه با موضوعات و بها دادن به تمایلات شخصی، اولویت نگرش‌های فرد بر هنجارهای گروهی، خوداتکایی و بازاندیشی در ارزش‌ها و گرایش‌ها از مؤلفه‌های فردگرایی شناخته می‌شود که بنیانی را برای جهت‌گیری فکری و رفتاری در جهان مدرن شکل می‌دهد. فردگرایی به عنوان مفهومی مدرن در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. در جمع‌گرایی بر یکپارچگی و اطاعت از گروه تأکید شده و رفتار هرکس انعکاسی از هنجارهای مطلوب جامعه دانسته می‌شود، فرد جمع‌گرا، با گروه هدف‌های مشترک داشته و شبیه دیگر افراد رفتار کرده و دستورات اجتماعی را به عنوان هنجاری پذیرفته و غیرقابل تردید تلقی می‌کند و در همین راستا دین‌داری سنتی را بدون چون و چرا می‌پذیرد. اما در نظر بسیاری از صاحب‌نظران یکی از بعدهای مهم جامعه مدرن غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی است که تغییراتی را هم در حوزه آگاهی و هم در حوزه کنش افراد به وجود می‌آورد (کیانفر، ۱۳۹۶). در جامعه فردگرا، فرد توانایی‌های خاصی پیدا می‌کند. از جمله این‌که اجازه می‌یابد عقلانی‌تر عمل کرده و بسیاری از سنت‌های بسته‌بندی و یقینی قبلی را مورد شک قرار دهد، توانایی دیگر، بازاندیشی در خصوص خود و عرصه‌های گوناگون زندگی خود، انتخاب از بین تعدادی از بدیل‌ها و جایگزین‌های مختلف و دسترسی به منابع گوناگون و گسترده است. بدین ترتیب همراه با فردگرایی و عقلانیت نیازمند با آن، بسیاری از ارزش‌های جامعه نیز از شکل یقینی خود خارج می‌شود و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. در این‌گونه شرایط ارزش‌ها در نبود تأیید

دائمی اجتماعی و بازاندیشی مداوم خاصیت قطعی خود را از دست داده و از نگرش گوناگون افراد تأثیر می‌پذیرند؛ لذا به نظر می‌رسد در جامعه حاضر بسیاری از تغییرات در دین‌داری (بازاندیشی، گزینش‌گری و...) با مفهوم فردگرایی در ارتباط می‌باشد (صفاری، ۱۳۹۵).

یکی از مولفه‌هایی که بر رابطه شادی و جهت‌گیری ارزشی در افراد تأثیر می‌گذارد حس امنیت است. امنیت به عنوان ضروری‌ترین نیاز و اساسی‌ترین بستر دوام و بقا جوامع بشری تلقی شده است. همان‌طور که مازلو بیان می‌کند نیاز به امنیت در رتبه دوم نیازهای ضروری قرار دارد. بنابراین اگر این نیاز در سطوح مختلف بنا به عللی پاسخ مثبت دریافت نکند، فرد دچار تنش و اضطراب می‌شود. حس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب و خطر گفته می‌شود (شیخی، کمالی و جهان‌آرای، ۱۳۹۰).

به اعتقاد چلبی، هر قدر در سطح‌های مختلف، شبکه روابط اجتماعی جامعه افزایش پیدا کند به همان میزان نیز احساس ناتوانی در مقابل مشکلات کاهش می‌یابد و این خود سبب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳). از طرفی جامعه نیز خود از از خانواده‌ها تشکیل شده است. خانواده یک نظام اجتماعی است که اختلال در هر یک از اجزا و اعضای آن کل نظام را مختل می‌کند و این نظام مختل شده به نوبه خود اختلالات مربوط به اعضا را تشدید و مشکلات جدیدی را ایجاد می‌کند (شریعتی و داورمنش، ۱۳۸۶). با این نگرش، معلولیت یکی از فرزندان بر تمام خانواده و کارکردهای مختلف آن بر یکایک اعضا تأثیر غالباً منفی باقی می‌گذارد. اولین فردی که به طور مستقیم با کودک معلول ارتباط برقرار می‌کند، مادر است. مادر وقتی با فرزند معلول خود روبرو می‌شود به علت نگهداری دائمی و نیاز به فراهم نمودن شرایط ویژه زندگی این کودک، فشار جسمی، روحی و اجتماعی زیادی را تحمل می‌کند. مادران علاوه بر سختی نگهداری از این کودکان بار سنگین ترحم دیگران را نیز به دوش می‌کشند (نریمانی، آقامحمدیان و رجبی، ۱۳۸۶).

امنیت، در سطح فردی باعث آرامش، بروز استعدادها و خلاقیت می‌شود و در سطح اجتماعی زمینه‌ساز توسعه است، چرا که فعالیت‌های اقتصادی نیازمند امنیت هستند. امنیت، هم به صورت واقعی و هم به صورت احساس، تجلی می‌یابد و معمولاً احساس امنیت، مهم‌تر از وجود امنیت است چرا که واکنش‌های فرد در جامعه، بستگی به میزان

حس او از امنیت دارد. افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی از یک سو و آسیب پذیری بیشتر آنان از سوی دیگر باعث شده است تحلیل و بررسی احساس ناامنی در بین زنان، به موضوعی مهم در سراسر جهان تبدیل شود. تحقیقات و مستندات بیان‌گر این هستند که اگرچه، امنیت واقعی در جامعه ایران ارتقا یافته اما احساس ناامنی در ایران بالاست (فرهادی، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد که احساس امنیت زنان می‌تواند در رابطه بین جهت‌گیری ارزشی و شادی مادران دارای کودک معلول واسطه و مداخله نماید. بنابراین پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این سوال که آیا بین جهت‌گیری‌های ارزشی فردگرایی - جمع‌گرایی و میزان شادی با واسطه‌گری احساس امنیت ارتباط وجود دارد انجام پذیرفت.

## اهمیت موضوع

یکی از دلایلی که افراد باید سطح شادی خود را افزایش دهند، این است که ارتباطی نسبتاً قوی میان شادی و سالمی وجود دارد؛ دلایل مختلف را می‌توان مطرح کرد؛ از جمله این که اشخاص ناراحت اغلب زندگی محدود دارند و این ویژگی‌های منفی زندگیشان موجب حس نبود شادی آنان می‌شود. البته عدم سلامتی می‌تواند موجب ناراحتی و غمگینی شود، در عین حال امکان تأثیر عامل دیگری بر شادی و سلامتی نیز وجود دارد (دوآرت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). شادکامی به عنوان مفهومی مثبت برای سالم ماندن ضروری و لازم است. شادکامی غلبه احساسات مثبت به منفی و تمرکز به بعد عاطفی موقعیت‌های زندگی تعریف شده است. مفهوم واژه شادکامی چندین مفهوم مختلف را به ذهن وارد می‌کند (برای مثال شادی، خشنودی، لذت و خوشایندی و...). شادی حسی است که همه طالب آن هستند اما تعداد کمی از ما به آن دست می‌یابیم، نشانه مشخص این احساس قدردانی، احساس درونی، احساس رضایت و علاقه به خود و دیگران است (باردو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

1- Duarte  
2- Diener